

نگاهی به وضعیت دانشگاه ها در افغانستان

عبدالکریم شعبانی



علم مدرن غرب تعیین کنیم. کوشش‌های تجدد مآبانی امثال سید جمال الدین افغان و محمود طرزی، در آن حدی نبوده است که بتوانند زمینیه را برای ورود علم جدید فراهم کند. آنچه آنان در باب تجدد و علم جدید غربی گفته‌اند چیزی بیشتر از توصیه به فراگیری دانش نبوده است و طبیعی است که آنسان هرگز نظری به ماهیت و سرشت دانش غربی نداشته‌اند. در طول این دو سده قرن گذشته، احیانا شعرا و تالاش‌هایی در باب گسترش معارف و ترقی جامعه وجود داشته است. حبیب الله خان اولین مکتب را در افغانستان به وجود آورد، همچنان اولین نشریه در زمان او ایجاد شد. شعار دولت امان الله خان نیز گسترش معارف بود، اما به رغم این شوق‌ها و تلاش‌ها ما هرگز موفق به ایجاد یک سنت علمی در افغانستان نشده‌ایم. بنابر این، نظام دانشگاهی امروز افغانستان چیزی فراتر از «قلیدی مبتدل» از علم مدرن و دانش غربی نیست. چنانچه در طول هشتاد سال حیات خویش، هرگز دانشی تولید نتوانسته است.

اما آنچه بسی مهم‌تر و در عین حال، پیچیده‌تر از این مسائل ظاهری است، همان انحطاطی است که بیش‌تر از آن سخن به میان آمد. در زمانی که در افغانستان بنیاد دانشگاه گذاشته می شد، نظام علمی ما چندین قرن بود که از فعالیت باز ایستاده بود. قبل از تأسیس دانشگاه، آنچه بوده است همان حوزه علمیه بوده است که در زمان تأسیس دانشگاه، دیگر قادر به تولید علم نبود. بنابراین در اینجا گسستی اتفاق افتاده است که به آسانی قابل تبیین و توضیح نیست. اما آنچه به اختصار می توان گفت این است که فاصله و شکافی عمیق بین حوزه علمیه و دانشگاه نو بنیاد ما ایجاد شده است و در نتیجه دانشگاه ما بر پایه‌های سنت و موقتی بنا نهاده شده است. دانشگاه ما، ادامه‌ای حوزه علمیه نیست بنابراین در خلا به وجود آمده است. اما در غرب این گونه نبوده است. دانشگاه غربی به پایه‌های حاصل علمی حوزه علمیه و در امتداد آن بنا شده است. در طی صد و پنجاه سال گذشته که ما رویارویی با غرب را تجربه کرده‌ایم و در تمنای کسب دانش مدرن و رفتن به طرف تجدد غربی بوده‌ایم، هرگز نتوانسته‌ایم نسبت خود را با تمدن و

پدین سان ما زمانی در افغانستان دست به تأسیس دانشگاه زدیم که انحطاط چندین قرنه، پیکر فرهنگ ما را از درون پوسانده بود. از قضا بنیاد دانشگاه در این کشور نیز در عدم آگاهی از این انحطاط تاریخی و فرهنگی گذاشته شده است، و این نشان بحرانی مضاعف است. چه بسا که اگر در هنگامه‌های تأسیس دانشگاه، این درک و آگاهی وجود می داشت، دانشگاه خود به مکانی برای اندیشیدن در باب این مسأله تبدیل می شد. اما گویا چنین درافتی از تاریخ و فرهنگ، در تئوآن اهل نظر و موسسان دانشگاه در آن دوره نبوده است. مرحوم میر غلام محمد غبار، تاریخ‌نگار نامی کشور، در کتاب معروفش «افغانستان در مسیر تاریخ» به صراحت تمام بیان می کند که در دهه‌هایی که نهاداب اولین دانشگاه گذاشته می شد، حکومت سعی داشت به دنیا بفهماند که افغانستان اساسا ضد معارف و تمدن و ترقی است. این سخن کسی است که خود عملا در آن فضا نفس کشیده است و اختناق حاکم بر جامعه را با جان و روان خویش لمس کرده است. ساختن دانشگاه در چنین زمانه‌ای خود آشکارا یک تناقض است. به هر حال، این مسأله مربوط به ظاهر قضیه است.

که ارزش خواندن را داشته باشد نوشته نشد. در تمام این دو سه قرن، فقط یک کتاب در تاریخ افغانستان، نوشته شد. «تاریخ احمد شاه‌ی» نوشته محمود الحسینی منشی دربار احمد شاه ابدالی تا تقدیر آن را تعیین کند. این به این معناست که فرهنگ ما در طول بیش از سه قرن، غرق در رکود و جمود بوده است و هرگز حتی اندک تحرکی نیز نداشته است. بزرگترین شاهکار این دوران، همان کتاب تاریخ پیش گفته است که به نظر می رسد همان هم از سر اتفاق نگاشته شده است. چرا که همین محمود الحسینی خود شاگرد میرزا محمد مهدی استرآبادی مورخ ایرانی بوده است و تاریخ احمد شاهی را بر الفکوی تاریخ جهانگشای نادری نوشته است. بگذریم از این که اگر محمود الحسینی شاگرد استرآبادی نبود شاید همین یک اثر هم نوشته نمی شد. در این اینجا نمی توان این مطلب را به درستی باز کرد، به اجمال می توان گفت که از عهد احمد شهاب‌الدلی، افغانستان به لحاظ سیاسی و فرهنگی دچار بحران و انحطاطی ژرف شده است. انحطاطی که تمام به میراث فرهنگی و فکری گذشته، نه تنها تداوم حتی یک کتاب جدی و عمیق و علمی،

در دوران مدرن در غرب، بزرگترین و نامدارترین فیلسوفان اروپایی (به طور خاص فیلسوفان آلمانی) اغلب فیلسوفان دانشگاهی بوده‌اند. یعنی به رغم تفکرات و اندیشه‌هایی که در بیرون از محیط دانشگاه داشته‌اند، به آموزشی نیز بی توجه نبوده‌اند. نه تنها بی توجه نبوده‌اند بلکه در استحکام بنیان آن کوشیده‌اند. دربارهای دانشگاه اندیشیده‌اند و بر شکافها و چالش‌های فراروی آن انگشت گذاشته‌اند. کانت، فیخته، شلینگ و هگل، از برجسته‌ترین نمونه‌های فیلسوفان دانشگاهی هستند و هر یک به سهم خود، مطالبی در باب دانشگاه نوشته‌اند و در باب بحران‌ها و چشم‌اندازهای آن اندیشیده‌اند. حتی در قرن بیستم نیز متفکران بزرگی همانند مارتین هایدگر و کارل یاسپرس، در همین راستا کتاب نوشته‌اند و بر ضرورت و اهمیت بحث در این مورد تأکید کرده‌اند. این فلاسفه از آن جهت در باب دانشگاه اندیشیده‌اند که بحران گسستی را در نظام دانشگاهی خویش تشخیص داده‌اند. لذا برای حل و رفع آن بحران و مشکل، دانشگاه را باری دیگر به موضوع اندیشه‌های خویش بدل کردند تا تقدیر آن را تعیین کنند. این به این معناست که فرهنگ ما در طول بیش از سه قرن، غرق در رکود و جمود بوده است و هرگز حتی اندک تحرکی نیز نداشته است. بزرگترین شاهکار این دوران، همان کتاب تاریخ پیش گفته است که به نظر می رسد همان هم از سر اتفاق نگاشته شده است. چرا که همین محمود الحسینی خود شاگرد میرزا محمد مهدی استرآبادی مورخ ایرانی بوده است و تاریخ احمد شاهی را بر الفکوی تاریخ جهانگشای نادری نوشته است. بگذریم از این که اگر محمود الحسینی شاگرد استرآبادی نبود شاید همین یک اثر هم نوشته نمی شد. در این اینجا نمی توان این مطلب را به درستی باز کرد، به اجمال می توان گفت که از عهد احمد شهاب‌الدلی، افغانستان به لحاظ سیاسی و فرهنگی دچار بحران و انحطاطی ژرف شده است. انحطاطی که تمام به میراث فرهنگی و فکری گذشته، نه تنها تداوم حتی یک کتاب جدی و عمیق و علمی،

چالش دیگر فراروی تعلیم و تربیه در افغانستان مسأله نامنی است. آمدن فصل بهار همه ساله با تشدید نگرانی‌های امنیتی در افغانستان همراه می باشد. درحالی که مردم تلاش می کنند، سال نو تعلیمی شان را با خوشی آغاز کنند و تمام دغدغه‌ها و تهدیدها را به فراموشی بسپارند، اما واقعیت‌های تلخ ناامنی و کشتار بیرحمانه هوموطنان هرگونه دلخوشی را از شهروندان می گیرد. چالش مهم دیگر مشکلات عمیق و بنیادین اقتصادی است. چالشی که خود دارای ابعاد و جنبه‌های گسترده و فراوان است. افغانستان از کشورهای بسیار فقیر جهان است که آمار بیکاری در آن بیداد می کند. میلیون‌ها شهروند این کشور در سراسر دنیا سرگردان است که هدف اصلی آنان تامین معیشت و برآورد نیازهای اقتصادی است. در بیش از سی‌زده سال گذشته نه تنها آمار بیکاری کاهش نیافته که حتی افزایش نیز داشته است. تعداد زیادی از مردم و حتا تحصیل کرده‌های که با هزار مصیبت درس‌های خود را به پایان رسانده‌اند، از بیکاری و فقر اقتصادی رنج می برند. بسیاری از خانواده‌ها حتا از تهیه ضروری ترین نیازهای خود عاجز می مانند. بسیاری از خشونت‌ها، ناپهتجاری‌های اجتماعی و جنایت‌های سازمان یافته و غیر سازمان یافته از مشکلات اقتصادی و بیکاری مردم نشأت می گیرد. سرپرستان خانواده‌ها اغلب در شرایط فعلی از تامین معارف مکتب فرزندان شان ناتوان‌اند و به دلیل فقر و بیکاری مجبور می شوند فرزندان شان را بجای مکتب به کارخانه‌ها و کارگاه‌ها بفرستند. تعلیم و تربیه پیوند محکم با مسأله معیشت خانواده‌ها دارد. تا زمانی که سطح زندگی مردم بهبود نیابد بسیاری از اطفال و نوجوانان از ادامه آموزش و تحصیل باز می مانند. بنابر این دولت باید همزمان مسائلی امنیتی، فرهنگی و اقتصادی را در بهبود کمی و کیفی معارف مورد توجه قرار دهد و زمینه تعلیم و تحصیل را برای همه شهروندان فراهم سازد.

نقش تکنالوژی در پیشرفت کشور

مصطفی احمدی



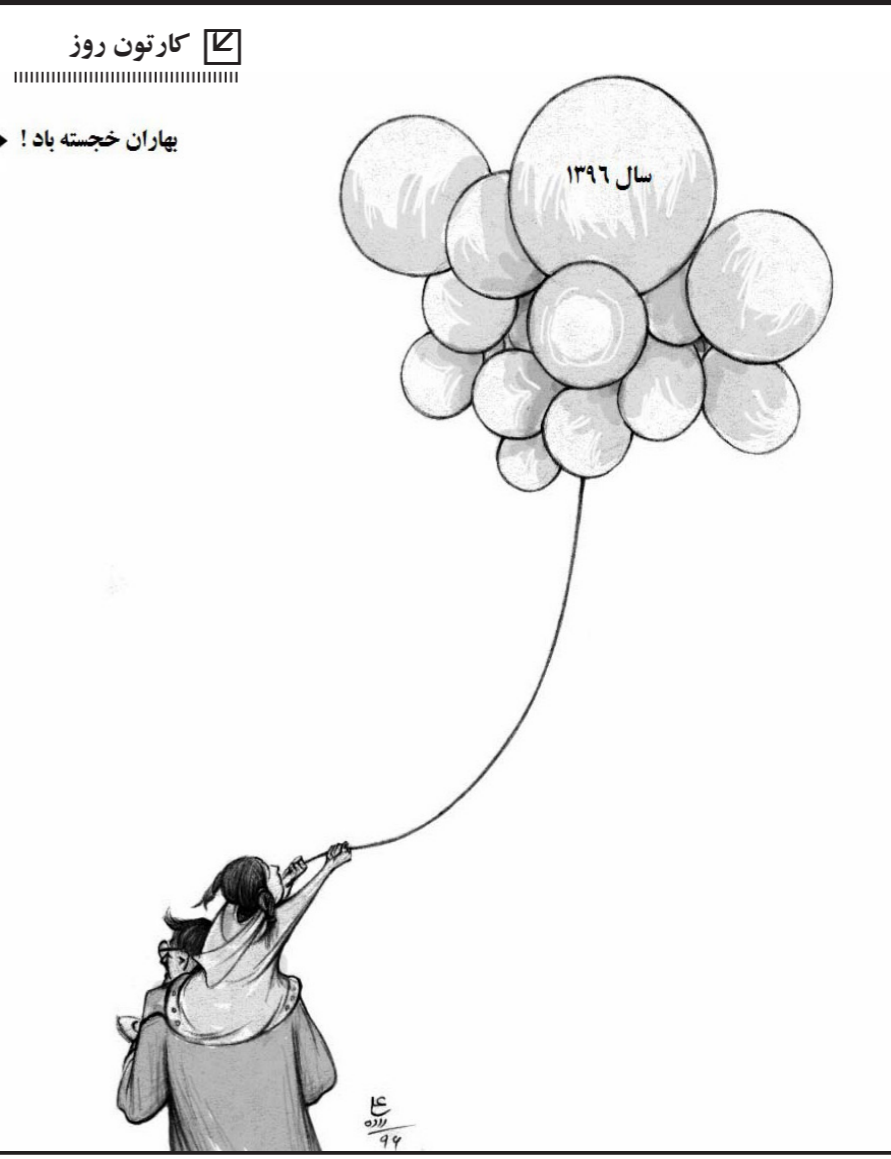
خواهد گذاشت و منظور از عامل خارجی، وجود سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و افزایش آن در کشور میباشد که این عامل میتواند روند ورود تکنالوژی در کشور را افزایش دهد. از عوامل مؤثر بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی میتوان به امنیت سرمایه‌گذاری، هزینه‌های حمل و نقل در کشور، اندازه بازار و وجود زیرساخت‌های مناسب در کشور اشاره کرد که هر کدام به نوعی میتوانند سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشور را افزایش و یا کاهش دهند و به همین ترتیب ورود تکنالوژی در کشور را مورد تأثیر قرار دهند. به همین دلیل در ابتدا دولت و در ادامه تمام مردم باید در مسیری قرار گیرند و طوری برنامه‌ریزی نمایند که این عوامل را تقویت نمایند تا روند ورود سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به کشور که در سالهای اخیر روند منفی را در پیش گرفته است، افزایش یابد تا با ورود آن و تأثیر مثبت آن بر ورود تکنالوژی، مسیری توسعه و پیشرفت کشور تسریع گردد.

امروزه بسیاری از فناوری‌ها در نتیجه پژوهش به دست می‌آیند و به عنوان مثال کشور ما میتواند از تجربیات کشورهایمانند کوریای جنوبی، تایوان، مالزی، برازیل و مکزیک استفاده نماید و با واردات تکنالوژی خارجی مناسب و با مدیریت صحیح آن، صرفه‌ای را تجربه نماید و سهم خود را در بازارهای خارجی افزایش دهد. به عنوان مثال کشور ما میتواند در بخش زراعت که سهم بیشتری در محصولات صادراتی ما دارد، با استفاده از تکنالوژی‌های روز، میزان تولیدات خود را منابع کمتر افزایش دهد و هزینه‌های تولیدی خود را کاهش دهد و از این طریق، سهم خود در بازارهای بین‌المللی را افزایش دهد و درآمد‌های ارزی کشور را افزایش دهد و به طور کلی قدم‌های مثبت و توانمندتری را در امر توسعه و پیشرفت کشور بردارد. به طور کلی و در نتیجه گیری میتوان گفت با استفاده از تکنالوژی در تمام حوزه‌ها اعم از اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، میتوان از کمترین منابع و کمترین هزینه بیشترین سود را بدست آورد و در این راستا، عوامل مؤثر بر ورود آن را باید مورد توجه جدی قرار داد؛ چرا که تکنالوژی نقش مؤثر بر روند توسعه و پیشرفت کشور دارد.

امروزه بسیاری از فناوری‌ها در نتیجه پژوهش به دست می‌آیند و به عنوان مثال کشور ما میتواند از تجربیات کشورهایمانند کوریای جنوبی، تایوان، مالزی، برازیل و مکزیک استفاده نماید و با واردات تکنالوژی خارجی مناسب و با مدیریت صحیح آن، صرفه‌ای را تجربه نماید و سهم خود را در بازارهای خارجی افزایش دهد. به عنوان مثال کشور ما میتواند در بخش زراعت که سهم بیشتری در محصولات صادراتی ما دارد، با استفاده از تکنالوژی‌های روز، میزان تولیدات خود را منابع کمتر افزایش دهد و هزینه‌های تولیدی خود را کاهش دهد و از این طریق، سهم خود در بازارهای بین‌المللی را افزایش دهد و درآمد‌های ارزی کشور را افزایش دهد و به طور کلی قدم‌های مثبت و توانمندتری را در امر توسعه و پیشرفت کشور بردارد. به طور کلی و در نتیجه گیری میتوان گفت با استفاده از تکنالوژی در تمام حوزه‌ها اعم از اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، میتوان از کمترین منابع و کمترین هزینه بیشترین سود را بدست آورد و در این راستا، عوامل مؤثر بر ورود آن را باید مورد توجه جدی قرار داد؛ چرا که تکنالوژی نقش مؤثر بر روند توسعه و پیشرفت کشور دارد.

شدند و ابعاد مختلف قابلیت‌های این دو تکنالوژی پر توان با توانمندی‌های تکنالوژی تلویزیون ترکیب شده و بدین ترتیب، عظیم‌ترین دستاورد تکنالوژی انسان ساخته شد. در ادامه شبکه جهانی ارتباطات و اطلاعات یا همان اینترنت نیز به سرعت همهی ابعاد زندگی بشر را درگرون ساخت. این جریان تحول پر شتاب حول محور تکنالوژی دیجیتال، با فرصت‌ها و چالش‌ها، امیدها و بیم‌های بی‌سابقه همراه می‌باشد. عصر دیجیتال، عصری است پر آشوب که انسان از آفریده‌ی خودش عقب می‌ماند و خواسته‌های ناخواسته سبک جدیدی از زندگی بشر در آن شکل می‌گیرد. تکنالوژی به پیشرفت و گسترش صنعت‌های مختلف و تجارت‌ها کمک میکند تا در همسایز زمینه‌ها بتوانند امکانات بهتری را در اختیار مصرف‌کنندگان قرار دهند. انتظار می‌رود که در اقتصاد، که با تولید و توزیع کالا سروکار دارد، نظریه‌های فراگیر درباره‌ی تکنالوژی وجود داشته باشد، اما این گونه نیست. از نظر اقتصاددانان، تکنالوژی برای این رشته - اگر بخواهیم از اصطلاحی فنی استفاده کنیم - امری «بیرونی» است. یعنی در بیرون از چارچوب نظریه اقتصادی قرار می‌گیرد.

در طول تاریخ انسان‌ها برای رسیدن به کمال در جستجوی دانش و معرفت بوده‌اند. از این رو فناوری در همه زمینه‌های علمی و معرفتی به وجود آمد که سبب رفاه و شکوفایی زندگی انسان در زمینه‌های گوناگون گردد. از نیمه‌ی دوم قرن بیستم و همزمان با پایان عصر صنعتی تحولات پر شتاب علمی - تکنالوژیکی آغاز گردید. نخست، با ورود کامپیوتر به عرصه فناوری، زندگی انسان متحول شد. سپس با همگرایی امواج حوزه اطلاعات و ارتباطات، بشریت به کمک تکنالوژی‌های ارتباطی از جمله تلفن به هم وصل



روانماة افغانستان ما از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می‌نماید. هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد. مقالات وارده بازگردانده نمی‌شود. مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سر مقاله‌یاینگر دیدگاه روزنامه افغانستان می‌باشد.

بنیان‌گذار: داکتر حسین یاسا
مدیر مسول: محمد رضا هویدا
سرمدیر: حفیظ الله زکی
کاریکاتورست: خالق علی‌زاده

دیزاین: علی اصغر زاهدی، مصطفی جعفری
مسئول وبسایت: غلام عباس اصلان

آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۱۳۷

www.dailyafghanistan.com
Email: thedailyafghanistan@yahoo.com